

حکم علیه یک زن که در زنا گرفتار شد

¹ اما عیسی به کوه زیتون رفت. ² و بامدادان باز به معبد آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته، ایشان را تعلیم می‌داد. ³ که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود، پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته، ⁴ بدو گفتند: ای استاد، این زن در عین عمل زنا گرفته شد؛ ⁵ و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند. اما تو چه می‌گویی؟ ⁶ و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند. اما عیسی سر به زیر افکنده، به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت. ⁷ و چون در سؤال کردن الحاح می‌نمودند، راست شده، بدیشان گفت: هر که از شما گناه ندارد اوّل بر او سنگ اندازد. ⁸ و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. ⁹ پس چون شنیدند، از ضمیر خود ملزم شده، از مشایخ شروع کرده تا به آخر، یک یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. ¹⁰ پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید، بدو گفت: ای زن، آن مدّعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچ‌کس بر تو فتوا نداد؟ ¹¹ گفت: هیچ‌کس، ای آقا. عیسی گفت: من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن!

عیسی نور جهان است

¹² پس عیسی باز بدیشان خطاب کرده، گفت: من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد. ¹³ آنگاه فریسیان بدو گفتند: تو بر خود شهادت می‌دهی، پس شهادت تو راست نیست. ¹⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: هر چند من بر خود شهادت می‌دهم، شهادت من راست است زیرا که می‌دانم از کجا آمده‌ام و به کجا خواهم رفت، لیکن شما نمی‌دانید از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. ¹⁵ شما بحسب جسم حکم می‌کنید اما من بر هیچ‌کس حکم نمی‌کنم. ¹⁶ و اگر من حکم دهم، حکم من راست است، از آنرو که تنها نیستم بلکه من و پدری که مرا فرستاد. ¹⁷ و نیز در شریعت شما مکتوب است که شهادت دو کس حقّ است. ¹⁸ من بر خود شهادت می‌دهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای من شهادت می‌دهد. ¹⁹ بدو گفتند: پدر تو کجا است؟ عیسی جواب

یسوع والحکم علی الزّانية

¹ اَمَّا يَسُوعُ فَمَضَى إِلَى جَبَلِ الزَّيْتُونِ. ² ثُمَّ خَصَرَ أَيْضاً إِلَى الْهَيْكَلِ فِي الصُّبْحِ وَجَاءَ إِلَيْهِ جَمِيعُ الشَّعْبِ فَجَلَسَ يُعَلِّمُهُمْ. ³ وَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ امْرَأَةً اَمْسِيكَتُ فِي زِنَا، وَلَمَّا أَقَامُوهَا فِي الْوَسْطِ قَالُوا لَهُ: يَا مُعَلِّمُ، هَذِهِ الْمَرْأَةُ اَمْسِيكَتُ وَهِيَ تَزْنِي فِي ذَاتِ الْفِعْلِ. ⁵ وَمُوسَى فِي النَّامُوسِ أَوْصَانَا أَنْ مِثْلَ هَذِهِ تُرْجَمَ، فَمَاذَا تَقُولُ أَنْتَ؟ ⁶ قَالُوا هَذَا لِيُجَرَّبُوهُ لَكِنْ يَكُونُ لَهُمْ مَا يَشْتَكُونَ بِهِ عَلَيْهِ. ⁷ وَأَمَّا يَسُوعُ فَانْحَنَى إِلَى أَسْفَلِ وَكَانَ يَكْتُبُ بِإِصْبَعِهِ عَلَى الْأَرْضِ. ⁸ وَلَمَّا اسْتَمَرُّوا يَسْأَلُونَهُ انْتَصَبَ وَقَالَ لَهُمْ: مَنْ كَانَ مِنْكُمْ بِلاَ خَطِيئَةٍ فَلْيَرْمِمْهَا أَوَّلًا بِحَجَرٍ. ⁹ ثُمَّ انْحَنَى أَيْضاً إِلَى أَسْفَلِ وَكَانَ يَكْتُبُ عَلَى الْأَرْضِ. ¹⁰ وَأَمَّا هُمْ فَلَمَّا سَمِعُوا وَكَانَتْ صَمَائِرُهُمْ تُبْكُهُمْ خَرَجُوا وَاحِداً وَاحِداً مُبْتَدِئِينَ مِنَ الشُّيُوخِ إِلَى الْآخِرِينَ، وَبَقِيَ يَسُوعُ وَحْدَهُ وَالْمَرْأَةُ وَاقِفَةً فِي الْوَسْطِ. ¹¹ قَلَمَّا انْتَصَبَ يَسُوعُ وَلَمْ يَنْظُرْ أَحَدًا سِوَى الْمَرْأَةِ قَالَ لَهَا: يَا امْرَأَةُ، أَيْنَ هُمْ أَوْلَئِكَ الْمُشْتَكُونَ عَلَيْكَ؟ ¹² أَمَّا ذَاتِكَ أَحَدٌ؟ ¹³ فَقَالَتْ: لَا أَحَدٌ، يَا سَيِّدُ، فَقَالَ لَهَا يَسُوعُ: وَلَا أَنَا أَدِينُكَ، اذْهَبِي وَلَا تُخْطِئِي أَيْضاً.

یسوع هو نور العالم

¹² ثُمَّ كَلَّمَهُمْ يَسُوعُ أَيْضاً قَائِلاً: أَنَا هُوَ نُورُ الْعَالَمِ، مَنْ يَتَّبِعْنِي فَلَا يَمَشِي فِي الظُّلْمَةِ بَلْ يَكُونُ لَهُ نُورُ الْحَيَاةِ. ¹³ فَقَالَ لَهُ الْفَرِيسِيُّونَ: أَنْتَ تَشْهَدُ لِنَفْسِكَ، شَهَادَتُكَ لَيْسَتْ حَقًّا. ¹⁴ أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: وَإِنْ كُنْتُ أَشْهَدُ لِنَفْسِي فَشَهَادَتِي حَقٌّ لِأَنِّي أَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ أَتَيْتُ وَإِلَى أَيْنَ أَذْهَبُ، وَأَمَّا أَنْتُمْ فَلَا تَعْلَمُونَ مِنْ أَيْنَ أَتَيْتُ وَلَا إِلَى أَيْنَ أَذْهَبُ. ¹⁵ أَنْتُمْ حَسَبَ الْجَسَدِ تَدِينُونَ، أَمَّا أَنَا فَلَيْسْتُ أَدِينُ أَحَدًا. ¹⁶ وَإِنْ كُنْتُ أَنَا أَدِينُ قَدِيمَتَيْي حَقٌّ لِأَنِّي لَسْتُ وَخْدِي بَلْ أَنَا وَالآبُ الَّذِي أَرْسَلَنِي. ¹⁷ وَأَيْضاً فِي تَامُوسِكُمْ مَكْتُوبٌ: "أَنَّ شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ حَقٌّ". ¹⁸ أَنَا هُوَ الشَّاهِدُ لِنَفْسِي وَتَشْهَدُ لِي الْآبُ الَّذِي أَرْسَلَنِي. ¹⁹ فَقَالُوا لَهُ: أَيْنَ هُوَ أَبُوكَ؟ أَجَابَ يَسُوعُ: لَسْتُ تَعْرِفُونَنِي أَنَا وَلَا أَبِي، لَوْ عَرَفْتُمُونِي لَعَرَفْتُمْ أَبِي أَيْضاً. ²⁰ هَذَا الْكَلَامُ قَالَهُ يَسُوعُ فِي الْخَزَانَةِ وَهُوَ يَعْلَمُ فِي الْهَيْكَلِ، وَلَمْ يُمَسِّكْهُ أَحَدٌ لِأَنَّ سَاعَتَهُ لَمْ تَكُنْ قَدْ جَاءَتْ بَعْدُ.

یسوع مُرسل من الله الآب

²¹ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ أَيْضاً: أَنَا أَمْضِي وَتَسْتَطَلُّونَنِي وَتَمُوتُونَ

داد که: نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرا می‌شناختید پدر مرا نیز می‌شناختید.²⁰ و این کلام را عیسی در بیتالمال گفت، وقتی که در هیكل تعليم می‌داد؛ و هیچ‌کس او را نگرفت بجهت آنکه ساعت او هنوز نرسیده بود.

²¹ باز عیسی بدیشان گفت: من می‌روم و مرا طلب خواهید کرد و در گناهان خود خواهید مرد و جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید آمد.²² یهودیان گفتند: آیا اراده قتل خود دارد که می‌گوید به جایی خواهیم رفت که شما نمی‌توانید آمد؟²³ ایشان را گفت: شما از پایین می‌باشید اما من از بالا. شما از این جهان هستید، لیکن من از این جهان نیستم.²⁴ از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد، زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد.²⁵ بدو گفتند: تو کیستی؟ عیسی بدیشان گفت: همانم که از اوّل نیز به شما گفتم.²⁶ من چیزهای بسیار دارم که درباره شما بگویم و حکم کنم؛ لکن آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه از او شنیده‌ام، به جهان می‌گویم.²⁷ ایشان نفهمیدند که بدیشان درباره پدر سخن می‌گوید.²⁸ عیسی بدیشان گفت: وقتی که پسر انسان را بلند کردید، آن وقت خواهید دانست که من هستم و از خود کاری نمی‌کنم بلکه به آنچه پدرم مرا تعلیم داد، تکلم می‌کنم.²⁹ و او که مرا فرستاد، با من است و پدر مرا تنها نگذاشته است زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجا می‌آورم.

اولاد ابراهیم

³⁰ چون این را گفت، بسیاری بدو ایمان آوردند.³¹ پس عیسی به یهودیانی که بدو ایمان آوردند، گفت: اگر شما در کلام من بمانید، فی‌الحقیقه شاگرد من خواهید شد،³² و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد.³³ بدو جواب دادند که: اولاد ابراهیم می‌باشیم و هرگز هیچ‌کس را غلام نبوده‌ایم. پس چگونه تو می‌گویی که آزاد خواهید شد؟³⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم: هر که گناه می‌کند، غلام گناه است.³⁵ و غلام همیشه در خانه نمی‌ماند، اما پسر همیشه می‌ماند.³⁶ پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود.³⁷ می‌دانم که اولاد ابراهیم هستید، لیکن می‌خواهید مرا

فِي حَظَائِكُمْ. حَيْثُ أَمْضِي أَنَا لَا تَقْدِرُونَ أَنْتُمْ أَنْ تَأْتُوا.²² قَالَ الْيَهُودُ: أَلَعَلَّه يَقْنُلُ نَفْسَهُ حَتَّى يَقُولَ: حَيْثُ أَمْضِي أَنَا لَا تَقْدِرُونَ أَنْتُمْ أَنْ تَأْتُوا؟²³ فَقَالَ لَهُمْ: أَنْتُمْ مِنْ أَسْفَلِ، أَمَّا أَنَا فَمِنْ قَوْو. أَنْتُمْ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ، أَمَّا أَنَا فَلَسْتُ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ.²⁴ فَقُلْتُ لَكُمْ إِنَّكُمْ تَمُوتُونَ فِي حَظَائِكُمْ، لِأَنَّكُمْ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا بَنِي أَنَا هُوَ تَمُوتُونَ فِي حَظَائِكُمْ.²⁵ فَقَالُوا لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: أَنَا مِنَ الْبَدَءِ مَا أَكَلَمُكُمْ أَيْضًا بِهِ.²⁶ إِنْ لِي أَسْيَاءٌ كَثِيرَةٌ أَنْتَكُمُ وَأَحْكُمُ بِهَا مِنْ نَحْوِكُمْ، لَكِنَّ الَّذِي أُرْسَلَنِي هُوَ حَقٌّ، وَأَنَا مَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ فَهَذَا أَقُولُهُ لِلْعَالَمِ.²⁷ وَلَمْ يَفْهَمُوا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لَهُمْ عَنِ الْآبِ.²⁸ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: مَتَى رَفَعْتُمْ ابْنَ الْإِنْسَانِ فَحِينَئِذٍ تَفْهَمُونَ أَنِّي أَنَا هُوَ وَلَسْتُ أَفْعَلُ شَيْئًا مِنْ نَفْسِي بَلْ أَنْتَكُمُ بِهِذَا كَمَا عَلَّمَنِي أَبِي.²⁹ وَالَّذِي أُرْسَلَنِي هُوَ مَعِي، وَلَمْ يَتْرَكْنِي الْآبُ وَحْدِي لِأَنِّي فِي كُلِّ حِينٍ أَفْعَلُ مَا يُرْضِيهِ.

يسوع يحرر من العبودية

³⁰ وَبَيْنَمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ بِهِذَا آمَنَ بِهِ كَثِيرُونَ.³¹ فَقَالَ يَسُوعُ لِلْيَهُودِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ: إِنَّكُمْ إِنْ تَبْنُمُ فِي كَلَامِي فَبِالْحَقِيقَةِ تَكُونُونَ تَلَامِيذِي³² وَتَعْرِفُونَ الْحَقَّ وَالْحَقُّ يُخَرِّرُكُمْ. أَجَابُوا: إِنَّا ذُرِّيَّةُ إِبْرَاهِيمَ وَلَمْ نُسْعَبِدْ لِأَحَدٍ قَطُّ. كَيْفَ تَقُولُ أَنْتَ: إِنَّكُمْ تَصِيرُونَ أَخْرَارًا؟³⁴ أَجَابَهُمْ يَسُوعُ: الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ كُلُّ مَنْ يَفْعَلُ الْخَطِيئَةَ هُوَ عَبْدٌ لِلْخَطِيئَةِ،³⁵ وَالْعَبْدُ لَا يَبْقَى فِي الْبَيْتِ إِلَى الْأَبَدِ، أَمَّا الْإِبْنُ فَيَبْقَى إِلَى الْأَبَدِ.³⁶ فَإِنْ حَرَّرَكُمُ الْإِبْنُ فَبِالْحَقِيقَةِ تَكُونُونَ أَخْرَارًا.³⁷ أَنَا عَالِمٌ أَنَّكُمْ ذُرِّيَّةُ إِبْرَاهِيمَ، لَكِنَّكُمْ تَطْلُبُونَ أَنْ تَقْتُلُونِي لِأَنَّ كَلَامِي لَا مَوْضِعَ لَهُ فِيكُمْ.³⁸ أَنَا أَنْتَكُمُ بِمَا رَأَيْتُ عِنْدَ أَبِي، وَأَنْتُمْ تَعْمَلُونَ مَا رَأَيْتُمْ عِنْدَ أَبِيكُمْ. أَجَابُوا: أَبُوتَا هُوَ إِبْرَاهِيمُ. قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: لَوْ كُنْتُمْ أَوْلَادَ إِبْرَاهِيمَ لَكُنْتُمْ تَعْمَلُونَ أَعْمَالَ إِبْرَاهِيمِ.⁴⁰ وَلَكِنَّكُمْ الْآنَ تَطْلُبُونَ أَنْ تَقْتُلُونِي وَأَنَا إِنْسَانٌ قَدْ كَلَمْتُكُمْ بِالْحَقِّ الَّذِي سَمِعْتُهُ مِنَ اللَّهِ، هَذَا لَمْ يَفْعَلْهُ إِبْرَاهِيمُ.⁴¹ أَنْتُمْ تَعْمَلُونَ أَعْمَالَ أَبِيكُمْ. فَقَالُوا لَهُ: إِنَّا لَمْ نُولَدْ مِنْ زَنَاءٍ، لَنَا أَبٌ وَهُوَ اللَّهُ.⁴² فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: لَوْ كَانَ اللَّهُ أَبَاكُمْ لَكُنْتُمْ تُحِبُّونَنِي لِأَنِّي خَرَجْتُ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ وَأَتَيْتُ، لِأَنِّي لَمْ آتِ مِنْ نَفْسِي بَلْ ذَاكَ أُرْسَلَنِي. لِمَاذَا لَا تَفْهَمُونَ كَلَامِي؟ لِأَنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ أَنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي.⁴⁴ أَنْتُمْ مِنْ أَبِ، هُوَ إِبْلِيسُ، وَشَهَوَاتِ أَبِيكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَعْمَلُوا، ذَاكَ كَانَ قَتَالًا لِلنَّاسِ مِنَ الْبَدَءِ

وَلَمْ يَنْبُتْ فِي الْحَقِّ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهِ حَقٌّ. مَتَى تَكَلَّمَ بِالْكَذِبِ قَائِمًا يَتَكَلَّمُ مِمَّا لَهُ لِأَنَّهُ كَذَّابٌ وَأَبُو الْكَذَّابِ. ⁴⁵ وَأَمَّا أَنَا، فَلَا تَبِي أَقُولُ الْحَقَّ، لَسْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِي. ⁴⁶ مَنْ مِنْكُمْ يُبَكِّتُنِي عَلَى خَطِيئَةٍ؟ فَإِنْ كُنْتُ أَقُولُ الْحَقَّ فَلِمَذَا لَسْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِي؟ ⁴⁷ الَّذِي مِنَ اللَّهِ يَسْمَعُ كَلَامَ اللَّهِ، لِذَلِكَ أَنْتُمْ لَسْتُمْ تَسْمَعُونَ لِأَنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنَ اللَّهِ.

⁴⁸ فَأَجَابَ الْيَهُودُ وَقَالُوا لَهُ: أَلَسْنَا تَقُولُ حَسَنًا إِنَّكَ سَامِرِيٌّ وَبِكَ شَيْطَانٌ؟ ⁴⁹ أَجَابَ يَسُوعُ: أَنَا لَيْسَ بِي شَيْطَانٌ لَكِنِّي أَكْرِمُ أَبِي وَأَنْتُمْ تُهَيِّئُونَنِي. ⁵⁰ أَنَا لَسْتُ أَطْلُبُ مَجْدِي، يُوجَدُ مَنْ يَطْلُبُ وَدَيِّنُ. ⁵¹ الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَحْفَظُ كَلَامِي فَلَنْ يَرَى الْمَوْتَ إِلَى الْأَبَدِ. ⁵² فَقَالَ لَهُ الْيَهُودُ: الْآنَ عَلِمْنَا أَنَّ بَكَ شَيْطَانًا، قَدْ مَاتَ إِبْرَاهِيمُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَأَنْتَ تَقُولُ: إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَحْفَظُ كَلَامِي فَلَنْ يَذُوقَ الْمَوْتَ إِلَى الْأَبَدِ. ⁵³ أَلَعَلَّكَ أَعْظَمُ مِنْ أَبِيْنَا إِبْرَاهِيمَ الَّذِي مَاتَ؟ وَالْأَنْبِيَاءُ مَاتُوا، مَنْ تَجْعَلُ نَفْسَكَ؟ ⁵⁴ أَجَابَ يَسُوعُ: إِنْ كُنْتُ أَمَجِّدُ نَفْسِي فَلَيْسَ مَجْدِي شَيْئًا، أَبِي هُوَ الَّذِي يُمَجِّدُنِي الَّذِي تَقُولُونَ أَنْتُمْ إِنَّهُ إِلَهُكُمْ ⁵⁵ وَلَسْتُمْ تَعْرِفُونَهُ، وَأَمَّا أَنَا فَأَعْرِفُهُ، وَإِنْ قُلْتُ إِنِّي لَسْتُ أَعْرِفُهُ أَكُونُ مِثْلَكُمْ كَاذِبًا، لَكِنِّي أَعْرِفُهُ وَأَحْفَظُ قَوْلَهُ. ⁵⁶ أَبُوكُمْ إِبْرَاهِيمُ تَهَلَّلَ بِأَنْ يَرَى يَوْمِي، فَرَأَى وَفَرَحَ. ⁵⁷ فَقَالَ لَهُ الْيَهُودُ: لَيْسَ لَكَ حَمْسُونَ سَنَةً بَعْدُ، أَفَرَأَيْتَ إِبْرَاهِيمَ؟ ⁵⁸ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: قَبْلَ أَنْ يَكُونَ إِبْرَاهِيمُ أَنَا كَائِنٌ. ⁵⁹ فَرَفَعُوا حِجَارَةً لِيَرْجُمُوهُ، أَمَّا يَسُوعُ فَاحْتَفَى وَخَرَجَ مِنَ الْهَيْكَلِ مُجْتَازًا فِي وَسْطِهِمْ وَمَضَى هَكَذَا.

بکشید زیرا کلام من در شما جای ندارد. ³⁸ من آنچه نزد پدر خود دیده‌ام می‌گویم و شما آنچه نزد پدر خود دیده‌اید می‌کنید. ³⁹ در جواب او گفتند که: پدر ما ابراهیم است. عیسی بدیشان گفت: اگر اولاد ابراهیم می‌بودید، اعمال ابراهیم را بجا می‌آوردید. ⁴⁰ ولیکن الآن می‌خواهید مرا بکشید و من شخصی هستم که با شما به راستی که از خدا شنیده‌ام تکلم می‌کنم. ابراهیم چنین نکرد. ⁴¹ شما اعمال پدر خود را بجا می‌آورید. بدو گفتند که: ما از زنا زاییده نشده‌ایم. یک پدر داریم که خدا باشد. ⁴² عیسی به ایشان گفت: اگر خدا پدر شما می‌بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده‌ام، زیرا که من از پیش خود نیامده‌ام بلکه او مرا فرستاده است. ⁴³ برای چه سخن مرا نمی‌فهمید؟ از آن جهت که کلام مرا نمی‌توانید بشنوید. ⁴⁴ شما از پدر خود ابلیس می‌باشید و خواهشهای پدر خود را می‌خواهید به عمل آرید. او از اوّل قاتل بود و در راستی ثابت نمی‌باشد، از آن جهت که در او راستی نیست. هرگاه به دروغ سخن می‌گوید، از ذات خود می‌گوید زیرا دروغگو و پدر دروغ‌گوین است. ⁴⁵ و اما من از این سبب که راست می‌گویم، مرا باور نمی‌کنید. ⁴⁶ کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟ پس اگر راست می‌گویم، چرا مرا باور نمی‌کنید؟ ⁴⁷ کسی که از خدا است، کلام خدا را می‌شنود و از این سبب شما نمی‌شنوید که از خدا نیستید.

⁴⁸ پس یهودیان در جواب او گفتند: آیا ما خوب نگفتیم که تو سامری هستی و دیو داری؟ ⁴⁹ عیسی جواب داد که: من دیو ندارم، لکن پدر خود را حرمت می‌دارم و شما مرا بی‌حرمت می‌سازید. ⁵⁰ من جلال خود را طالب نیستم، کسی هست که می‌طلبد و داوری می‌کند. ⁵¹ آمین، آمین، به شما می‌گویم: اگر کسی کلام مرا حفظ کند، موت را تا به ابد نخواهد دید. ⁵² پس یهودیان بدو گفتند: الآن دانستیم که دیو داری! ابراهیم و انبیا مردند و تو می‌گویی اگر کسی کلام مرا حفظ کند، موت را تا به ابد نخواهد چشید؟ ⁵³ آیا تو از پدر ما ابراهیم که مُرد و انبیایی که مُردند بزرگتر هستی؟ خود را که می‌دانی؟ ⁵⁴ عیسی جواب داد: اگر خود را جلال دهم، جلال من چیزی نباشد. پدر من آن است که مرا

جلال می‌بخشد، آنکه شما می‌گویید خدای ما است.⁵⁵ و او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم و اگر گویم او را نمی‌شناسم مثل شما دروغگو می‌باشم. لیکن او را می‌شناسم و قول او را نگاه می‌دارم.⁵⁶ پدر شما ابراهیم شادی کرد بر اینکه روز مرا ببیند و دید و شادمان گردید.⁵⁷ یهودیان بدو گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟⁵⁸ عیسی بدیشان گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم که: پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.⁵⁹ آنگاه سنگها برداشتند تا او را سنگسار کنند. اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشته، از معبد بیرون شد و همچنین برفت.